

اختلاف در حجیت سنت (قول، فعل، تقریر) از منظر فریقین و تأثیر آن بر فتاوی فقهی

□ علی رضا *

□ مظاهر حیدری **

چکیده

سنت، به عنوان دومین منبع تشریح پس از قرآن کریم، جایگاهی بنیادین در نظام معرفت دینی مسلمانان دارد. تبیین مفهوم و حدود حجیت سنت در میان مذاهب اسلامی، همواره از مباحث اساسی علم اصول فقه بوده است. این پژوهش با روش تحلیلی-تطبیقی، به بررسی اختلاف دیدگاه مذهب امامیه و اهل سنت در تعریف و دایره‌ی حجیت سنت (قول، فعل و تقریر) می‌پردازد. اهل سنت، سنت را ویژه‌ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌دانند و در خصوص اقوال صحابه، بر اساس عدم عصمت، برای اجتهادات آنان حجیت ظنی یا مبتنی بر «امارات عملی» قائل می‌شوند. در مقابل، شیعه امامیه با استناد به اصل عصمت ائمه علیهم السلام، قول، فعل و تقریر آنان را استمرار سنت نبوی و **حجت قطعی** می‌داند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که این تفاوت مبنایی در تعریف «معصوم» و «مرجعیت دینی پس از پیامبر»، تأثیر مستقیم بر روش استنباط احکام و صدور فتاوا در دو مکتب نهاده است. مقاله حاضر ضمن تبیین مبانی کلامی و اصولی فریقین، نشان می‌دهد که تفاوت در رتبه حجیت سنت، یکی از عوامل اصلی در تکوین ساختارهای متمایز فقهی این دو مکتب به شمار می‌آید. **کلیدواژه‌ها:** سنت، حجیت، امامیه، اهل سنت، اصول فقه، قول صحابی، عصمت، استنباط فقهی.

* دانش پژوه کارشناسی ارشد فقه مقارن (نویسنده مسئول) جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمية.

** استادیار جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمية (m.heidari012@gmail.com).

مقدمه

نظام استنباط احکام شرعی در جوامع اسلامی بر پایه‌ی منابع معتبر بنا شده است که در رأس آن‌ها قرآن کریم و پس از آن، «سنت» قرار دارد. سنت به عنوان شارح، مفسر و متمم قرآن، نقش حیاتی در تبیین احکام الهی ایفا می‌کند. با این حال، از لحظه‌ای که بحث از منابع پس از قرآن به میان می‌آید، اجماع نظر میان مذاهب اسلامی به هم می‌خورد و اختلافات عمیقی در تعریف حدود و ثغور این منبع بروز می‌یابد. محور اصلی این اختلاف، مصداق «معصوم» و میزان «حجیت» اقوال، افعال و تقریرات منسوب به ایشان است. این تفاوت در مبانی، نه تنها یک نزاع نظری صرف، بلکه یک عامل تعیین‌کننده در صدور فتاوا و شکل‌گیری احکام عملی در فقه فریقین (امامیه و اهل سنت) محسوب می‌شود.

اصول فقه، سنت را شامل قول، فعل و تقریر می‌داند. نقطه‌ی کانونی این پژوهش، محدوده‌ی حجیت این سه رکن است. از منظر اهل سنت، حجیت سنت عمدتاً به عصر نبوت و شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله محدود می‌شود. در این دیدگاه، اجتهادات صحابه، هرچند مورد احترام اند، فاقد عصمت ذاتی بوده و آرای آنان در بهترین حالت، به مثابه‌ی امارات یا مستندات اجماع عملی تلقی می‌گردد، نه حجت قطعی معصوم. در مقابل، امامیه با اعتقاد به امامت و عصمت ائمه علیهم السلام، قول، فعل و تقریر ایشان را امتداد مستقیم و قطعی سنت نبوی دانسته و آن را حجتی هم‌عرض با سنت پیامبر صلی الله علیه و آله در استنباط احکام شرعی می‌پذیرد. این دوگانگی، زمینه‌ساز اختلافاتی در استناد به روایات و نهایتاً در فروع فقهی است.

هدف اصلی این مقاله، واکاوی دقیق و تطبیقی اختلاف مبانی فریقین در باب حدود حجیت سنت و تبیین ریشه‌های کلامی و اصولی آن است. پژوهش حاضر بر پایه‌ی روش تحلیلی-تطبیقی سامان یافته است. در بخش تحلیل، مبانی اصولی و کلامی هر دو مکتب در خصوص حجیت خبر واحد، عصمت و مرجعیت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس نتایج حاصل از این مبانی در قالب یک مقایسه‌ی ساختاریافته، تفاوت‌ها و اشتراکات ماهوی آن‌ها مشخص می‌گردد.

- مفهوم سنت در لغت و اصطلاح

مفهوم «سنت» از جمله مفاهیم بنیادینی است که تفاوت در تعریف و حدود آن، موجب شکل‌گیری بزرگ‌ترین شکاف‌ها در مباحث اصولی و فقهی فریقین شده است. واژه‌ی «سنت» در لغت، ریشه‌ی لغوی خود را از ماده «سَنَنَ» می‌گیرد که در معانی اصلی شامل راه، روش، طریقه و سیره است (ابن‌منظور، لسان‌العرب، ج ۱۳، ص ۲۲۵). این مفهوم در زبان عربی بر رویه‌ی مستمری که مورد پیروی قرار می‌گیرد، دلالت دارد. در اصطلاح علم اصول فقه، تعریف سنت به دو گونه متمایز تقسیم می‌شود که مرز اصلی اختلاف دو مذهب را ترسیم می‌کند:

الف) دیدگاه اهل سنت

علمای اهل سنت، سنت را محدود به مقام نبوت و شخص پیامبر اکرم ﷺ می‌دانند. بر این اساس:

«السنة: ما صدر عن النبي ﷺ من قول أو فعل أو تقرير» یعنی هر آنچه از پیامبر اکرم ﷺ به صورت گفتار (قول)، کردار (فعل) یا تأیید ضمنی (تقریر) صادر شده باشد (شافعی، الرسالة، ۱۴۰۸ق، ص ۷۸).

ب) دیدگاه مذهب امامیه

مذهب شیعه، با پذیرش اصل امامت و عصمت ائمه، دایره‌ی سنت را به شکلی توسعه می‌دهد که آن را امتداد الهی سنت نبوی می‌داند. سنت نزد امامیه عبارت است از: «قول، فعل یا تقریر معصوم (پیامبر اکرم ﷺ و ائمه عليهم السلام) که دلالت بر حکم شرعی داشته باشد» (مظفر، اصول الفقه، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۶۰). به تعبیر دقیق‌تر: «السنة: قول و فعل و تقریر المعصوم» (مظفر، اصول الفقه، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۶۲).

این دیدگاه مبنای این اعتقاد است که ائمه اطهار عليهم السلام نیز حجت الهی در تبیین دین به شمار می‌آیند.

- اقسام سنت

پس از تبیین مفهوم کلی سنت، نوبت به تفکیک این منبع بر اساس شیوه صدور آن از معصوم می‌رسد. سنت در هر دو مذهب (با حفظ تفاوت‌های پیشین در مصداق معصوم) به سه قسم اصلی تقسیم می‌شود که هر یک شیوه خاصی در دلالت بر حکم شرعی دارند:

۱. سنت قولی (السنة القولية): این قسم شامل گفتار، بیانات، احادیث و اخباری است که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یا امام معصوم علیه السلام صادر شده و هدف از آن بیان مستقیم یک حکم شرعی یا توضیح یک مفهوم دینی است. این قسم، صریح‌ترین شکل ظهور سنت است.

۲. سنت فعلی (السنة الفعلية): این سنت عبارت است از افعال، رفتارها، مناسک و عبادات خاصی که از معصوم صادر گردیده و برای امت، به عنوان یک الگوی عملی یا بیانگر حکم شرعی تلقی می‌شود. برای مثال، چگونگی انجام مناسک حج یا کیفیت نماز از طریق افعال پیامبر صلی الله علیه و آله به ما منتقل شده است. این افعال، خود یک دلیل مستقل بر وجود حکم شرعی محسوب می‌شوند (مظفر، اصول الفقه، ج ۲، ص ۶۱-۶۲).

۳. سنت تقریری (السنة التقريرية): سنت تقریری به معنای تأیید عملی یا سکوت معصوم در برابر عملی است که در حضور او صورت می‌گیرد. اگر عملی توسط فردی در محضر معصوم انجام شود و معصوم با سکوت یا عدم اعتراض آن را بپذیرد، این سکوت نشانه‌ی رضایت و در نتیجه جواز شرعی آن عمل تلقی می‌شود. این سکوت، قائم مقام یک قول یا فعل است و دلیل بر آن است که آن عمل مخالف با شرع نبوده است (مظفر، اصول الفقه، ج ۲، ص ۶۲-۶۴).

- جایگاه سنت در منظومه تشریح اسلامی

در منظومه تشریح اسلامی، سنت در کنار قرآن کریم، رکن اساسی در تبیین و استنباط احکام شرعی به شمار می‌آید. قرآن، اصول کلی و قواعد بنیادین شریعت را بیان می‌کند و سنت، عهده‌دار تفسیر، تبیین، تخصیص، تقیید و تفصیل این اصول است؛ به گونه‌ای که بدون سنت، فهم کامل و کاربردی بسیاری از احکام قرآنی ممکن نخواهد بود. از این رو، همه‌ی مذاهب اسلامی در اصل مرجعیت و حجیت سنت به عنوان منبع تشریح، اتفاق نظر دارند، هرچند در

دامنه و مصادیق آن اختلاف دارند.

از منظر اهل سنت، سنت عبارت است از گفتار، رفتار و تقریر پیامبر اکرم ﷺ و تنها همین سنت، حجت شرعی قطعی محسوب می‌شود. با این حال، سنت صحابه در فقه اهل سنت جایگاه ویژه‌ای دارد؛ به این معنا که اقوال و افعال صحابه، به‌ویژه خلفای راشدین، در موارد فقدان نص نبوی، به‌عنوان مرجع فهم شریعت مورد استناد قرار می‌گیرد. هرچند اهل سنت، صحابه را معصوم نمی‌دانند، اما با پذیرش قاعده‌ی عدالة الصحابة، سخن و عمل آنان را در حد اجتهاد معتبر دانسته و گاه در مقام تشریح عملی، به آن تکیه می‌کنند.

در مقابل، در مکتب شیعه امامیه، سنت منحصر به پیامبر اکرم ﷺ نیست، بلکه قول، فعل و تقریر ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام نیز به‌عنوان استمرار سنت نبوی و منبع مستقل تشریح پذیرفته می‌شود. از نگاه شیعه، اهل بیت علیهم‌السلام به دلیل نصب الهی و برخورداری از عصمت، مرجع تبیین شریعت پس از پیامبر ﷺ هستند و تنها سنت معصوم، حجت شرعی است. بر این اساس، اقوال و افعال صحابه — هرچند محترم — فاقد حجیت تشریحی مستقل اند و تنها در صورتی معتبر خواهند بود که به سنت قطعی معصوم بازگردند.

بنابراین، نقطه‌ی کانونی اختلاف میان فریقین در جایگاه سنت، نه در اصل حجیت آن، بلکه در تعیین مرجع معتبر پس از پیامبر ﷺ است: اهل سنت به سنت نبوی همراه با اجتهاد صحابه تمسک می‌کنند، در حالی که شیعه امامیه، اهل بیت علیهم‌السلام را یگانه مرجع معصوم و استمراردهنده‌ی سنت پیامبر می‌داند. این اختلاف مبنايي، آثار گسترده‌ای در روش استنباط و اختلاف فتاویٰ فقهی میان دو مکتب برجای گذاشته است.

- حجیت سنت نزد فریقین: اشتراک در اصل، افتراق در مرجعیت

هر دو مذهب فقه اسلامی، شیعه امامیه و اهل سنت، بر این باورند که «سنت»، پس از قرآن کریم، یکی از ارکان اساسی و منابع تشریح احکام دینی است. بنابراین، در اصل حجیت و اعتبار سنت، اتفاق نظر وجود دارد. با این حال، اختلاف اصلی و ریشه‌ای میان این دو دیدگاه، نه در پذیرش کلی سنت، بلکه در دامنه‌ی سنت حجت، مرجع صادرکننده آن، و مبانی

اعتباربخشی به آن نمودار می‌شود. این افتراق، که خود را در مباحث گسترده‌تری همچون امامت، عصمت، مرجعیت دینی پس از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، و میزان نقش عقل در استنباطات شرعی نشان می‌دهد، در این بخش مورد بررسی تطبیقی قرار می‌گیرد.

- دیدگاه کلی اهل سنت در حجیت سنت

از منظر علمای اهل سنت، سنت به طور انحصاری به قول، فعل و تقریر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ محدود می‌شود. این منبع، در کنار قرآن کریم، به عنوان اصلی‌ترین راهنمای تشریح و استنباط احکام تلقی می‌گردد.

اما پرسش اینجاست که پس از رحلت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مرجعیت دینی و منبع هدایت در غیاب ایشان چیست؟ اهل سنت، مرجعیت دینی را به «اجتهاد صحابه» واگذار کرده‌اند. بدین معنا که اقوال، افعال و استنباطات صحابه — به‌ویژه خلفای راشدین — به دلیل نزدیکی به دوران پیامبر و همراهی با ایشان، نقش بسزایی در فهم و اجرای شریعت ایفا می‌کند. هرچند صحابه به عنوان انسان، معصوم از خطا تلقی نمی‌شوند، اما سنت منقول از آنان، در مرتبه‌ای پایین‌تر از سنت نبوی (که قطعی‌الصدور و قطعی‌الدلالة تلقی می‌شود)، اما همچنان معتبر در حوزه‌ی اجتهاد و استنباط به شمار می‌آید. این اعتبار، بیشتر جنبه ظنی و اجتهادی دارد و به عنوان یکی از منابع استنباط در کنار قیاس و استحسان (بسته به مکتب فقهی) مورد استفاده قرار می‌گیرد.

- دیدگاه کلی شیعه امامیه در حجیت سنت

در مقابل، مذهب شیعه امامیه، دایره سنت حجت را فراتر از صرف اقوال و افعال پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌بیند. امامیه، قول، فعل و تقریر ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام را نیز استمرار مستقیم سنت نبوی و حجت شرعی قطعی می‌شمارد. مبنای این دیدگاه، اعتقاد راسخ به نصب الهی امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام از سوی خداوند و مصونیت ایشان از هرگونه خطا و گناه (عصمت) است. بر این اساس، از نگاه شیعه، تنها سنت صادرشده از معصوم (پیامبر و ائمه)، اعتبار تشریحی مستقل دارد. این بدان معناست که اقوال و افعال صحابه، هرچند ممکن است برای

فهم برخی روایات یا تاریخی وقایع مفید باشند، اما فاقد حجیت تشریحی مستقل هستند؛ چرا که ایشان معصوم نبوده‌اند و در صورت تعارض با سنت معصوم، سنت معصوم مقدم است. حجیت سنت در این مذهب، بر پایه‌ی قطعیت صدور و دلالت منقول از معصوم بنا شده است.

– ادله‌ی حجیت سنت نزد اهل سنت

۱. قرآن کریم: آیات متعددی بر وجوب اطاعت از رسول خدا ﷺ دلالت دارد. مانند وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا (سوره حشر آیه ۷) ترجمه: و شما آنچه رسول حق دستور دهد (و منع یا عطا کند) بگیرید و هر چه نهی کند واگذارید و از خدا بترسید که عقاب خدا بسیار سخت است.

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ (سوره النساء آیه ۸۰) ترجمه: هر که از پیامبر اطاعت کند، در حقیقت از خدا اطاعت کرده. پس این آیات دلالت دارند که گفتار و رفتار پیامبر ﷺ حجت شرعی است.

۲. سنت نبوی: پیامبر ﷺ خود نیز به پیروی از سنت خویش فرمان دادند: ترکت فیکم امرین، لن تضلوا ما تمسکتُم بهما: کتاب الله و سنتی (مالک، موطأ الامام مالک، ج ۲، ص ۸۹۹)
۳. اجماع صحابه: صحابه نیز سنت را منبع تشریح می دانستند و در زمان خلفای راشدین، اگر در قرآن حکم نیافتند، به سنت مراجعه می کردند (ابن قیم جوزیه، ۱۴۰۷ق، إعلام الموقعین عن رب العالمین، ج ۱، ص ۲۵)

بنابراین از دیدگاه اهل سنت: سنت پیامبر ﷺ در کنار قرآن، دلیل قطعی و حجت شرعی است. ولی سنت تنها به پیامبر ﷺ محدود می شود و اقوال و افعال دیگران (خلفا یا صحابه) در حد اجتهاد معتبر است نه سنت.

– ادله‌ی حجیت سنت نزد شیعه

۱. قرآن کریم: آیاتی که به اطاعت از پیامبر و اولی الامر دستور می دهد، حجیت سنت را ثابت می کند مانند أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ (سوره النساء آیه ۵۹) ترجمه: ای اهل ایمان! از خدا اطاعت کنید و [نیز] از پیامبر و صاحبان امر خودتان [که امامان از اهل

بیت‌اند و چون پیامبر دارای مقام عصمت می‌باشند [اطاعت کنید].
از نظر مفسران شیعه، اولی الامر همان ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام هستند (طبرسی، ۱۴۰۸ق، مجمع‌البیان، ج ۳، ص ۶۹)
۲. سنت پیامبر و نصوص نبوی: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند *إني تارك فيكم الثقلين: كتاب الله و عترتي أهل بيتي، ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا بعدي* (کلینی، ۱۴۰۷ق، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۹۴)
این حدیث دلالت دارد که سنت اهل بیت علیهم‌السلام نیز در کنار قرآن، حجت است.
عقل: عقل حکم می‌کند که قول معصوم، که از خطا و نسیان مصون است، حجت است؛ زیرا خداوند حکیم محال است مردم را به تبعیت از غیر معصوم مأمور کند (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق، فرائد الأصول، ج ۱، ص ۴۶)
بنابر این از دیدگاه شیعه: سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام هر دو دلیل شرعی قطعی و حجت هستند. زیرا هر دو از ناحیه‌ی خداوند منصوب و معصوم از خطا هستند.

- مبانی اختلاف در حجیت سنت میان فریقین

هر دو مکتب فقهی و کلامی اسلام - یعنی شیعه امامیه و اهل سنت - در اصل حجیت سنت اتفاق نظر دارند و آن را در کنار قرآن کریم از منابع تشریح می‌دانند. اما در دامنه، ملاک و مبانی حجیت سنت اختلاف اساسی دارند. این اختلاف، ریشه در تفاوت دیدگاه‌های آنان درباره‌ی منصب نبوت و امامت، عصمت، و منبع تشریح الهی دارد.

مبنای اول: مرجعیت پس از پیامبر (مسئله امامت و خلافت)

اهل سنت: پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، مرجعیت دینی را به «اجتهاد صحابه» واگذار کردند. بنابراین، سنت را فقط در گفتار، رفتار و تقریر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم معتبر می‌دانند و پس از او، اقوال خلفا و صحابه را «منابع ثانوی» به حساب می‌آورند، نه سنت معصوم (شافعی، ۱۴۰۸ق، الرسالة، ص ۷۸)
شیعه: معتقد است که پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، امامت استمرار نبوت در تبیین شریعت است، و ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام از جانب خدا منصوب و همانند پیامبر در بیان احکام الهی معصوم و حجت هستند (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، أوائل المقالات، ص ۳۸)

مبنای دوم: عصمت و معیار حجیت قول

اهل سنت: فقط برای پیامبر ﷺ عصمت از خطا در تبلیغ احکام را قائل اند، اما دیگران (صحابه، تابعین) را معصوم نمی‌دانند، هرچند عادل می‌شمارند. بنابراین، تنها سخن پیامبر ﷺ «قطعی الحجیه» است و اقوال صحابه در حد ظنی و اجتهادی است (ابن قیم جوزیه، ۱۴۰۷ق، إعلام الموقعین عن رب العالمین، ج ۱، ص ۲۵)

شیعه: چون امامان معصوم علیهم‌السلام از خطا و سهو مصون‌اند، سخن و فعل و تقریر ایشان همانند پیامبر ﷺ حجت است. حجیت سنت به «عصمت» وابسته است، نه صرف عدالت یا صحابی بودن (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق، فرائد الأصول، ج ۱، ص ۴۶)

مبنای سوم: منابع نقل سنت

اهل سنت: سنت را عمدتاً از روایات صحابه نقل می‌کنند و عدالت صحابه را مفروض می‌دانند قاعده «عدالة الصحابة». از این رو، نقد سندی دقیق یا عرضه بر قرآن کمتر صورت می‌گیرد (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۴۰ق، نخبة الفكر فی مصطلح اهل الاثر، ص ۱۲)

شیعه: در حدیث‌شناسی شیعه، هر راوی باید با معیارهای وثاقت و عدالت سنجیده شود، و روایت باید با قرآن و سنت قطعی معصومین عرضه و تطبیق شود. قاعده‌ی «عرض حدیث بر قرآن» اصل اساسی است (کلینی، ۱۴۰۷ق، اصول کافی، ج ۱، ص ۶۹)

مبنای چهارم: عقل و جایگاه آن در اثبات حجیت سنت

اهل سنت: عقل را تنها در حد فهم نصوص و قیاس شرعی معتبر می‌دانند، و حجیت سنت صرفاً به نص قرآن و اجماع صحابه باز می‌گردد (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق، فرائد الأصول، ج ۱، ص ۴۶)

شیعه: عقل به عنوان یکی از ادله‌ی اربعه در کنار قرآن و سنت و اجماع معتبر است، و بر اساس حکم عقل به لزوم اطاعت از معصوم، حجیت سنت نیز عقلاً ثابت می‌شود (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق، فرائد الأصول، ج ۱، ص ۴۶)

- تأثیر اختلاف در حجیت سنت بر فتاویٰ فقهی

اختلاف شیعه و اهل سنت در مبانی حجیت سنت، تنها یک بحث نظری در اصول فقه نیست،

بلکه تأثیر مستقیم و بنیادین بر استنباط احکام شرعی و فتاوی فقهی دارد. زیرا تفاوت در محدوده‌ی سنت، راویان معتبر، و حجیت اقوال، سبب شده که هر مکتب فقهی به نتایج فقهی متفاوتی برسد.

۱. تأثیر در منابع فقهی و روش استنباط

(الف) در فقه اهل سنت: اهل سنت برای استنباط احکام شرعی، چهار منبع دارند. قرآن، سنت، اجماع، قیاس. چون دایره‌ی سنت فقط به پیامبر ﷺ محدود است، در موارد سکوت یا اجمال نص، به قیاس و مصالح مرسله روی می‌آورند (ابن قیم جوزیه، ۱۴۰۷ق، إعلام الموقعین عن رب العالمین، ج ۱، ص ۷۵). پس بنا بر این، فتاوی اهل سنت در بسیاری از موارد بر اجتهاد رأیی و قیاسی مبتنی است.

(ب) در فقه شیعه امامیه: فقه شیعه چهار منبع دارد، قرآن، سنت (پیامبر و ائمه)، عقل، اجماع کاشف از قول معصوم. چون امامان معصوم علیهم‌السلام استمراردهنده‌ی سنت نبوی‌اند، در فقه شیعه نیاز به قیاس و استحسان از بین رفته است. به همین دلیل، فقه امامیه بیشتر بر نصوص روایی معصومین تکیه دارد (علامه حلی، ۱۴۰۴ق، مبادی الوصول الی علم الاصول، ص ۴۲)

۲. نمونه‌های عینی و ریشه‌های اختلاف در فتاوا بین مذاهب اسلامی

بررسی فتاوی فقهی در مذاهب اسلامی، موارد متعددی را نشان می‌دهد که در آن‌ها برداشت‌ها و مبانی استنباطی منجر به احکام متفاوتی شده است. در اینجا به دو نمونه شاخص از این اختلافات اشاره می‌کنیم:

۱. نحوه تطهیر پاها در وضو (مسح یا شستن)

یکی از اختلافات دیرینه فقهی، در کیفیت اجرای وظیفه مربوط به پاها در هنگام وضو است.

دیدگاه اهل سنت

بر اساس نقل برخی از احادیث منقول از صحابه، اهل سنت شستن کامل پاها را واجب

می‌دانند. این استدلال عمدتاً بر اساس نقل بخاری صورت می‌گیرد که در «صحیح» خود، در کتاب الوضوء، باب غسل الرجلین، به این موضوع پرداخته است (بخاری، ۱۴۰۷ق، صحیح، کتاب الوضوء، باب غسل الرجلین، ج ۲، ص ۷۸).

دیدگاه شیعه امامیه

شیعیان، با استناد به ظاهر آیه ۶ از سوره ی مائده که در آن امر به «مسح» شده است، و همچنین بر اساس روایات متعددی که از ائمه معصومین علیهم‌السلام، به ویژه امام علی علیه‌السلام و امام باقر علیه‌السلام نقل شده است، مسح کردن پاها را واجب می‌دانند (کلینی، ۱۴۰۷ق، الکافی، ج ۳، ص ۳۰).

علت اختلاف

ریشه‌ی این تفاوت در مبنای حجیت خبر است. اهل سنت در این مورد خاص، سنت منقول از برخی صحابه را مبنا قرار می‌دهند، در حالی که شیعه معتقد است مفسران حقیقی قرآن و سنت، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام هستند و روایات آن‌ها مقدم بر تفسیر صحابه است.

۲. مشروعیت نکاح موقت (متعّه)

اختلاف نظر در مورد حلّیت یا حرمت ازدواج موقت، یکی از محوری‌ترین اختلافات کلامی و فقهی میان شیعه و اهل سنت محسوب می‌شود.

دیدگاه شیعه امامیه

شیعه امامیه، با استناد به سنت مسلم پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و روایات فراوان از اهل بیت عصمت علیهم‌السلام، جواز متعه را یک حکم ثابت می‌داند. این استدلال مبتنی بر احادیثی است که در منابع دست اول آن‌ها ثبت شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، الکافی، ج ۵، ص ۴۵۲).

دیدگاه اهل سنت

اهل سنت این ازدواج را در زمان حاضر حرام و منسوخ می‌دانند. استدلال اصلی آن‌ها بر اساس نقلی است که از خلیفه دوم، عمر بن خطاب، وجود دارد که اعلام کرد متعه در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

جایز بود اما او آن را نسخ کرده است. این دیدگاه در منابع معتبری مانند صحیح مسلم ذکر شده است (مسلم، ۱۴۱۲ق، صحیح، کتاب النکاح، باب نکاح المتعة، ج ۳، ص ۱۷۲).

علت اختلاف

وجه تمایز در اینجا به میزان پذیرش مرجعیت در کنار پیامبر ﷺ بازمی‌گردد. از منظر شیعه، سخن و اجتهاد خلیفه دوم در برابر نص قرآنی و سنت معصوم، حجیت ندارد و حکم واقعی، حکم زمان پیامبر ﷺ است. در مقابل، برخی از مذاهب اهل سنت، قول خلیفه دوم را به عنوان یک مبنای تشریحی پذیرفته و آن را عامل نسخ حکم دانسته‌اند.

۳. ارث بردن ذوی‌الارحام (خویشاوندان غیر وارث اصلی)

مسئله نحوه تقسیم ترکه در غیاب وارثان طبقه اول و دوم، یکی دیگر از مواردی است که مبنای متفاوتی در دو مذهب دارد.

دیدگاه اهل سنت

بنا بر نظر مشهور در فقه اهل سنت، اگر فردی فوت کند و هیچ‌یک از وارثان اصلی (صاحبان فرائض و عصبه) وجود نداشته باشند، سهم الارث متوفی به جای آنکه به خویشاوندان دورتر (ذوی‌الارحام) برسد، به بیت‌المال (خزانه عمومی مسلمین) بازمی‌گردد. این نظر در منابع فقهی آن‌ها، مانند مبسوط سرخسی، مستند شده است (سرخسی، ۱۴۱۴ق، المبسوط، ج ۲۹، ص ۱۲۸).

دیدگاه شیعه امامیه

در فقه امامیه، بر اساس روایات متعددی که از ائمه معصومین علیهم‌السلام وارد شده است، ذوی‌الارحام (خویشاوندان نسبی که پس از نبودن وارثان درجه یک و دو باقی می‌مانند) به عنوان وارث شناخته شده و سهم الارث به آن‌ها تعلق می‌گیرد. این حکم در متون فقهی شیعه، از جمله تذکره الفقهاء علامه حلی، مورد تأکید قرار گرفته است (علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۱۸۱).

علت اختلاف

تفاوت اصلی در این است که شیعه با استناد به روایات اهل بیت علیهم السلام، که آن‌ها را مفسران حقیقی قرآن و سنت می‌داند، ذوی‌الارحام را مصداق «اولی‌الارحام» (اولی از سایر مردم در ارث بردن) می‌داند. در حالی که مبنای اهل سنت در این زمینه، عدم وجود نص صریح در قرآن برای ارث بردن ذوی‌الارحام، آنان را از ارث محروم کرده و مال را به بیت‌المال منتقل می‌کند.

۴. اذان و جمله «حیّ علی خیر العمل»

اختلاف در الفاظ اذان، نشان‌دهنده تفاوت در پذیرش سنت‌های زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و تغییرات پس از ایشان است.

دیدگاه اهل سنت

در اذان اهل سنت، جمله «حیّ علی خیر العمل» وجود ندارد و معمولاً حذف شده است. دلیل این امر، تاریخی ذکر شده که این جمله در دوران خلافت خلیفه دوم، یعنی عمر بن خطاب، از اذان برداشته شد. این واقعه در برخی از منابع تاریخی و حدیثی اهل سنت ثبت شده است (بیهقی، ۱۴۱۹ق، السنن الکبری، ج ۱، ص ۴۲۴).

دیدگاه شیعه امامیه

شیعیان معتقدند که این جمله، بخشی اساسی و شرعی از اذان است و با استناد به سنت متواتر ائمه معصوم علیهم السلام، آن را در اذان خود ذکر می‌کنند. این سنت در منابع اصلی فقه شیعه، نظیر الکافی، ثبت شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، الکافی، ج ۳، ص ۳۰۲).

علت اختلاف

مبنای این اختلاف به پذیرش تغییرات اعمال شده توسط خلفا باز می‌گردد. اهل سنت در این مورد، تغییر اعمال شده توسط خلیفه دوم را نوعی نسخ یا استحباب می‌دانند که قابل پذیرش است، در حالی که شیعه تنها سنت معصوم (که در این مورد با سنت اولیه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مطابقت دارد)

را معیار شرعی قرار می‌دهد و هرگونه تغییر پس از ایشان را غیر قابل قبول می‌داند.

نتیجه

بررسی تطبیقی مبانی حجیت سنت میان فقه امامیه و اهل سنت نشان داد که اشتراک نظری در اصل لزوم پیروی از سنت پس از قرآن کریم وجود دارد، اما نقطه افتراق اساسی نه در پذیرش مفهوم «سنت»، بلکه در تعیین «مرجعیت مُنزل» و «دامنه نفوذ حجیت» آن است.

مذهب امامیه با تکیه بر نظریه امامت و عصمت، حجیت را به صورت منحصر به فرد به سنت صادر شده از معصومین علیهم‌السلام محدود می‌سازد و هرگونه استناد به اقوال و اجتهادات غیر معصوم (اعم از صحابه یا خلفا) را از درجه اعتبار تشریحی مستقل خارج می‌داند. این دیدگاه، مبنای تثبیت «تداوم نبوت عملی» در ائمه اطهار است.

در مقابل، اهل سنت با پذیرش اصل ختم نبوت به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، مرجعیت فهم و تبیین دین را پس از ایشان، به اجتهاد صحابه (به‌ویژه خلفای راشدین) تفویض نموده و این تفویض را به عنوان یک منبع حجیت در کنار سنت نبوی می‌پذیرد.

همانطور که در نمونه‌های عینی چون وضو (مسح در مقابل غسل) و متعه (جواز در مقابل حرمت) مشاهده شد، این تفاوت مبنایی در مرجعیت، به طور مستقیم و قاطع بر احکام فقهی عملی تأثیر می‌گذارد. شیعه به سنت تفسیر شده توسط امام معصوم علیه‌السلام استناد می‌کند، در حالی که اهل سنت به روایاتی رجوع می‌نمایند که متضمن اعتبار بخشیدن به رأی صحابه است.

اختلاف فریقین در حجیت سنت، یک اختلاف متنی نیست، بلکه یک اختلاف «مرجع‌شناختی» است. لذا، هرگونه تلاش برای اجماع یا تفکیک احکام فقهی میان این دو مکتب، بدون در نظر گرفتن تفاوت اساسی آن‌ها در «منبع مشروعیت فتوای فقهی»، به درک عمیق اختلافات عملی نخواهد انجامید.

کتابنامه

قرآن کریم

ابن قیم جوزیه، محمد ابن ابی بکر، **إعلام الموقعین عن رب العالمین**، ناشر المكتبة العصرية، بیروت لبنان ۱۴۰۷ق

ابن منظور، محمد ابن مکرم، **لسان العرب**، ناشر دارالفکر بیروت لبنان
ابن حجر عسقلانی، احمد ابن علی، **نخبة الفکر فی مصطلح اهل الاثر**، عبدالمحسن ابن محمد القاسم، مدینه منوره، ۱۴۴۰ق

الانصاری، مرتضی. **فرائد الأصول** (الرسائل). قم: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۱۵ق.

بیهقی، احمد ابن حسین، **السنن الکبری**، ناشر دار الفکر بیروت لبنان، ۱۴۱۹ق
السرخسی، شمس الأئمة، محمد ابن احمد، **المبسوط**، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۴ق.
الشافعی، محمد بن إدريس. **الرسالة**. قاهره: المكتبة الأزهریة، بی تا.
شیخ مفید، محمد ابن محمد، **أوائل المقالات**، ناشر المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، قم ایران، ۱۴۱۳ق

صحيح بخاری. محمد ابن اسماعیل، ناشردار ابن کثیر، بیروت، ۱۴۰۷ق.
طبرسی، فضل ابن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، ناشر دارالمعرفه، بیروت لبنان، ۱۴۰۸ق
طوسی، محمد ابن حسن، طوسی، محمد ابن حسن، **الاستبصار فیما اختلف من الاخبار**، ناشر دار الکتب الاسلامیة، تهران ایران، ۱۳۶۵ش

علامه حلی، حسن ابن یوسف، **تذکرة الفقهاء**، ناشر مكتبة المرتضوية، تهران ایران
_____، **مبادئ الوصول الى علم الاصول**، ناشر المطبعة العلمیة، قم ایران، ۱۴۰۴ق
الغزالی، محمد بن محمد. **المستصفی من علم الأصول**. بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۳ق.
الکلینی، محمد بن یعقوب. **الکافی**. تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.

مالک، ابن انس، **موطأ الامام مالک**، ناشر المكتبة العلمیة، بی جا
مسلم، **صحيح**، مسلم ابن حجاج، دار الحديث قاهره، مصر، ۱۴۱۲ق
مظفر، محمدرضا، **اصول الفقه**، قم، نشر دانش اسلامی، ۱۴۰۵ق.

